

آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قلمرو جرائم علیه امنیت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

حسین رضائی تودشکی^۱

سید محمود مجیدی^۲

محمد جواد باقی زاده^۳

چکیده

در رابطه جرایم علیه امنیت می توان بیان نمود در وضع قانون می بایست موازین شرعی مورد توجه قرار گیرد اما در برخی موارد قانونگذار از این موازین فاصله گرفته که می توان در جرائم بغی و محاربه مشاهده نمود دو مقوله محاربه و افساد فی الأرض از عناوین فقهی هستند که پس از انقلاب اسلامی، به اقتضای اصل چهارم قانون اساسی وارد قوانین جزایی ایران شدند. در نتیجه؛ در حقوق کیفری ایران، در موارد متعددی قانون گذار برای صدق عنوان محاربه یا افساد فی الأرض، بیش از آنکه به ضابطه است به اسلحه بردن توجه داشته باشد. به قصد مرتکب دایر بر مقابله و معارضه با نظام و یا آثار ناشی از اعمال وی در ضربه زدن به نظام توجه داشته است و به عبارت دیگر، یکی از دو ضابطه عینی یا نوعی و ذهنی و شخصی در لطمه زدن به نظام را برای تشخیص عنوان محاربه به کار برده است. روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی- تحلیلی می باشد. در این مقاله سعی شده است تا به این پرسش آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قلمرو جرائم علیه امنیت به چه نحو می باشد؟ پاسخ داده شود. بنظر می رسد در دهه های اخیر، قلمرو جرم انگاری جرائم علیه امنیت دچار تغییرات مهمی شده است. با این حال، سیاست کیفری ایران در زمینه جرم انگاری جرایم علیه امنیت تغییر مهمی را به خود ندیده است. هدف از مقاله حاضر بررسی آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قلمرو جرائم علیه امنیت می باشد

کلید واژگان: آسیب شناسی، سیاست کیفری، جرائم علیه

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران Rezaiee.hossein@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسئول) majidi@du.ac.ir

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران baqizadeh@gmail.com

حقوق کیفری به منظور حمایت از ارزشهای اساسی اعمال مجرمانه را معین می‌کند. در این راستا گاهی قانونگذار در چارچوب منطقی و با در نظر گرفتن ارزشهای مورد قبول جامعه به جرم انگاری اقدام می‌کند. اما همواره این چنین نیست چرا که بعضاً اعمالی جرم انگاری می‌شوند که در جامعه مباح تلقی می‌شوند. در این حالت با جرم انگاری حداکثری یا امنیت مدار روبرو هستیم. یکی از جلوه‌های مهم جرم انگاری امنیت مدار در حوزه جرائم علیه امنیت است به گونه‌ای که جرم انگاری حداکثری به روشنی در آن آشکار است. از آنجا که نوع و شیوه قانون گذاری می‌تواند دامنه مداخله حقوق کیفری به بهانه حفظ نظم و امنیت عمومی را توسعه دهد، از اینرو چنین شیوه‌ای زمینه را برای محدود کردن حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع افراد فراهم می‌سازد.

روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این مقاله سعی شده است تا به این پرسش آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قلمرو جرائم علیه امنیت به چه نحو می‌باشد؟ پاسخ داده شود. بنظر می‌رسد در دهه‌های اخیر، قلمرو جرم انگاری جرائم علیه امنیت دچار تغییرات مهمی شده است. با این حال، سیاست کیفری ایران در زمینه جرم انگاری جرائم علیه امنیت تغییر مهمی را به خود ندیده است. هدف از مقاله حاضر بررسی آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قلمرو جرائم علیه امنیت می‌باشد

۱. تبیین مفاهیم

۱-۱- تعریف لغوی و اصطلاحی جرم

جرم در معنای لغوی مترادف گناه، تعدی، خطا، عصیان آمده است و جمع آن اجرام و جروم است. پس، جرم در معنای لغوی دارای محدوده وسیعی است که هم شامل بزه می‌شود و هم گناه و استعمال آن در زبان فارسی و به عنوان فعل یا ترک فعل قابل کیفر عاری از اشکال نیست. (عراقی‌نژاد، ۱۳۹۱، ۹)

جرم، از ریشه عربی (ج ر م)، به معنای قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسند به کار می‌رود. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، ۱۱۹/۶) و مجرم کسی می‌باشد که از حق بریده و به باطل روی می‌آورد و بر کار ناپسند خود اصرار می‌کند. (فیض، ۱۳۸۵، ۶۹/۱) در متون و منابع دینی، جرم یا جریمه و مشتقات آنها مترادف با گناه و در همان معنای لغوی به کار می‌رود (سوره طه، آیه ۷۴؛ سوره معارج، آیه ۱۱) (رافعی، ۱۳۸۷، ۵۳۸ و فاضل هندی،

۱۴۰۵، ۱۲۷۱-۱۲۷۴) عده ای از فقها و مؤلفان دینی هم جرم را گناه و ذنب (گناه) را جرم معنا می کنند (عسکری، ۱۳۵۳، فتح الله، ۱۴۱۵، ۱۴۰)

تعریف اصطلاحی جرم از معنای لغوی آن فاصله داشته و بر حسب رشته مربوطه، شرایط و قیودی بر معنای لغوی وارد شده است. تعریف جرم بنا بر نظر اندیشمندان و بر اساس رشته‌هایی که جرم را مورد مطالعه قرار می‌دهند؛ متنوع و متفاوت است. پس مشکل است از میان تعاریف مختلف تعریفی را برگزید که جامع افراد و مانع اغیار باشد؛ حتی در حقوق کیفری، حقوق دانان بر سر تعریف نهایی جرم توافق ندارند و در نهایت علی‌رغم اظهار تعریف خودشان، تسلیم تعریف قانونی جرم می‌شوند. (همان، ۱۰)

بزه یا جرم یکی از ارکان اصلی پدیده مجرمانه می باشد که مورد مطالعه و بررسی در جرم‌شناسی واقع شده است. بزه یا جرم از نظر لغوی به معنای خطا و جور است. از دیدگاه جرم‌شناسی، جرم به هر فعل یا ترک فعل زیان آور فردی با گروهی اطلاق می شود که منخل نظم اجتماعی و مغایر با شئون انسانی است ولو اینکه قانون مجازات متعرض به آن نشده باشد. از منظر حقوق کیفری، جرم، فعل یا ترک فعلی می باشد، که با توجه به آن قانون برایش مجازات تعیین کرده است.

۱-۲- مبانی جرم‌انگاری امنیت مدار

تجلی نگاههای سخت گیرانه از ابتدای تصویب قوانین کیفری در نظام حقوقی ایران آشکار بود. این دیدگاه در طی دوره ای با سیاست مدارا کردن و در برهه ی دیگر با رویکرد مسامحه ی صفر به روند خود ادامه داده است. گنجاندن برخی دستاوردهای مکاتب دفاع اجتماعی و پیروی از برخی افکار اندیشمندان و نگاه طبیب مآبانه به جامعه ی بیمار و مجرمین برخاسته از آن و تجویز راهکارهایی در خصوص درمان برخی مجرمین و در نقطه مقابل تصویب مقررات با رویکرد تهاجمی بر مبنای تفکرات نفع گرایی و ستیز با مجرمین و طرد آنان از جامعه ، از فزای و نشیب های سیر تکاملی قوانین موضوعه نظام حقوقی ایران از ترحم مداری تا دشمن مداری خبر می دهد. برای نمونه پیش بینی موادی در قانون مجازات عمومی در خصوص اعطای اختیار تخفیف و تشدید مجازات، نهاد آزادی مشروط، و سایر تاسیسات جزایی نشان از رأفت قوانین و تصویب مقرراتی مانند قانون تشدید مجازات کبوتر پرانی، قانون تشدید مجازات سرقت مسلحانه، قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان اسلحه و دهها قانون رعب انگیز دیگر (البته به اقتضای زمان) شواهدی هستند که حقوق کیفری ایران به حوزه ی حقوق کیفری مدرن وارد شده است. جلوه هایی از این نوع تفکرات حتی عینیت یافته البته نه در قالب مواد قانونی، بلکه با تأسی از یافته

های جرم‌شناسی جنبه کاربردی یافته و بر فعالیت روزمره افراد جامعه سایه افکنده است. قانونگذار ایران در حوزه حقوق کیفری از ابتدای تدوین مقررات کیفری رویکرد امنیتی داشته است؛ لیکن در برهه‌ای، تحت تاثیر افکار مجرم‌مدارانه در تدوین قوانین و نحوه اجرای قوانین، سیاست نرمش و لطافت را پیش می‌گیرد. بعد از آن در اثر شرایط اجتماعی و سیاسی و بوجود آمدن جرایم سازمان یافته و فراملی، نظام کیفری ایران سیاست خشن‌تری را پیش گرفت و نشانه‌های حقوق کیفری مدرن در تدوین و اعمال قوانین ملاحظه می‌شود. برجسته‌ترین شاخصه‌ی بکارگیری این نوع سیاست‌ها در حقوق کیفری شکلی نمود پیدا کرده است و آن هم در نادیده گرفتن حقوق شهروندی در جرایم مربوط به حقوق کیفری کلاسیک می‌باشد. (میلانی، اردکانی ارجمند، ۱۳۹۴، ص ۲۹)

در عرصه‌ی سیاست جنایی، نوع نگرش نسبت به علل جرم و نحوه‌ی کنش و واکنش در قبال آن، اهمیت بسزایی در مدیریت این پدیده‌ی خطیر اجتماعی دارد. عملکرد شایسته‌ی نظام عدالت کیفری، مستلزم پژوهش در خصوص ابعاد گوناگون جرم، بهره‌گیری از رویکردهای متنوع جرم‌شناختی و اجتناب از هرگونه افراط و تفریط است. لذا، چنانچه این نظام در مدیریت کلیه‌ی جرائم تنها از رهیافت‌های یک رویکرد استفاده کند، پاسخگوی تنوع این پدیده به لحاظ نوع، گستردگی، شدت و نتیجه نخواهد بود. حال آنکه، اگر دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های راهگشا و قابل اعمال نظریات و سیاست‌های مختلف، در جای مناسب خود و در قالب یک سیاست جنایی تلفیقی، معتدل و میانه، مورد استفاده و اجرا قرار گیرند، نیل به مدیریت بهینه‌ی جرم میسر خواهد گشت، در این ارتباط، می‌توان با مقایسه و ارزیابی متقابل رویکردهای گوناگون، به تقویت نقاط قوت و کاستن از نقاط ضعف و مطلق‌گرایی‌های احتمالی آنها پرداخته و بدین وسیله، بستر ارائه‌ی تدابیر بینابین و حرکت به سمت یک سیاست جنایی مناسب، واقع‌گرا و هماهنگی را هموار ساخت. (شاملو، محتشمی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۴)

۲. آسیب‌شناسی در حقوق کیفری

۲-۱- خدشه به اصل عدم مجازات اندیشه مجرمانه

خدشه به اصل عدم مجازات اندیشه مجرمانه را می‌توان در جرم‌تباری یافت از اینرو علاوه بر اصل مذکور، راهکار اصلاحی نیز بیان می‌گردد:

۲-۱-۱- بررسی تحولات تقنینی بزه‌تباری (از جرم‌انگاری پیشنهادتباری تا تفکیک‌تباری امنیتی و غیرامنیتی)

منظور از تبانی، «توافق بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم» می باشد. علی رغم این که این جرم را می توان یک «جرم ناتمام» نامید، زیرا توافق کنندگان به منظور و هدف موردنظر خود نرسیده اند، لیکن مجازات کردن تبانی به معنی مجازات کردن اندیشه مجرمانه صرف نمی باشد، زیرا عنصر مادی جرم با حصول توافق تحقق یافته است.

در پاسخ به این سؤال که چرا صرف تبانی قابل مجازات است (در حالی که در شروع به جرم نه تنها صرف قصد و تصمیم گرفتن برای ارتکاب جرم قابل مجازات نیست، بلکه انجام اقدامات مقدماتی نیز، به موجب ماده ۱۲۳ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، قابل مجازات نمی باشد) معمولاً به این واقعیت اشاره می شود که در تبانی بیش از یک نفر دخالت دارند و همه ما می توانیم از تجارب روزمره خود دریابیم که گاه حاضر به انجام کارهای مخاطره آمیزی با پشتیبانی یک شخص دیگر می باشیم، در حالی که چه بسا خود به تنهایی جرأت و جسارت انجام آن کارها را نداشته باشیم. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰، ص ۳۹) به همین دلیل، تبانی برای ارتکاب جرم در بسیاری از نظام های کیفری، جرم و قابل مجازات دانسته شده است. از جمله در انگلستان، تا قبل از تصویب «قانون حقوق جزا» در سال ۱۹۷۷، جرم تبانی مبتنی بر کامن لا بود و مواردی مثل تبانی برای ارتکاب شبه جرم را نیز در شرایطی در بر می گرفت. این امر انتقاداتی را بر می انگیزد که وقتی اصل عمل جرم نیست چطور می توان تبانی برای ارتکاب آن را واجد وصف مجرمانه دانست پیرو توصیه های کمیسیون حقوقی بخش اول «قانون حقوق جزا»، در سال ۱۹۷۷، تصویب شد، و در مورد تبانی برای تدلیس، و احتمالاً تبانی برای فاسد کردن اخلاقیات عامه یا جریحه دار کردن عفت عمومی، تنها تبانی برای ارتکاب جرم را واجد وصف مجرمانه داند و تبانی مبتنی بر کامن لا را، به موجب ماده ۵-۱ صراحتاً لغو نموده است. به موجب قانون عدالت کیفری، مصوب سال ۱۹۸۷، تبانی برای تدلیس حداکثر ده سال حبس در بر دارد (ماده ۱۲) و مجازات مرتکب جرم تبانی مبتنی بر قانون موضوعه، حداکثر، همان مجازات پیش بینی شده برای جرمی است که وی در صدد ارتکاب آن بوده است و برای جرایمی مثل قتل عمد و سرقت مقرون به آزار و تهدید حداکثر مجازات حبس دائم است (ماده ۳). (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۸-۳۴۹)

در زمینه وجود تحولات تقنینی در ارتباط با شرایط و ارکان جرم تبانی، حقوق کیفری ایران و فرانسه وجه تشابه زیادی دارند. دست یافتن به این وجوه تشابه، تنها پس از بررسی تحولات گوناگون حاکم بر این جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه امکان پذیر می باشد. در ارتباط با حقوق کیفری ایران باید در ابتدا به ماده ۷۴ ق.م.ع. مصوب ۱۳۰۴ اشاره نمود که تمامی مختصات و ویژگی های آن، در دوره های بعدی قانونگذاری از بین رفت. ماده مزبور در این رابطه مقرر می

نمود: «هرگاه جماعتی در خفا برای ارتکاب جنایات مذکوره در ماده ۷۰، دسته بندی و تصمیم کنند، جزای آنها حبس تأدیبی از یک الی سه سال است و اگر هنوز شروع به اجرای مقصود نکرده و عملی از آنها سر نزده باشد جزای آنها حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال است و اگر کسی دعوت به اجتماع مذکوره کرده ولی دعوت او به اجابت نرسیده است، جزای او حبس تأدیبی از یک الی شش ماه خواهد بود».

موضوع تبانی مطابق با ماده ۷۲ ق.م.ع. مصوب ۱۳۰۴ محدود به تحریک مردم به قتل و غارت بود پس از پیروزی انقلاب، قانونگذار در ماده ۸۸ ق.ت. ۱۳۶۲ به تبیین این جرم پرداخت. گسترش موضوع تبانی بر اساس قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، از جمله سیاست های کیفری بود که قانونگذار در زمینه تدوین مقررات ناظر بر جرائم علیه امنیت بعد از پیروزی انقلاب پیگیری نمود. اما اعمال سیاست کیفری جرم زدایی نسبت به ارتکاب عمل ارائه پیشنهاد تبانی توانست تحولاتی را در مقررات مرتبط با این جرم در سال ۱۳۷۵ ایجاد نمود.

۲-۱-۲- راهکار اصلاحی

با نگاهی به مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ «قانون تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵، مشخص خواهد شد که تحقق جرم موضوع ماده ۶۱۱ (یعنی تبانی برای ارتکاب سایر جرائم)، علاوه بر حصول «توافق»، به ارتکاب جرم بین دو یا چند نفر، منوط به وجود دو شرط دیگر است؛ اولاً، توافق کنندگان باید مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند و ثانیاً، بدون اراده خود موفق به اقدام نشده باشند، این در حالی است که هیچ یک از دو شرطی که ذکر شد برای تحقق تبانی موضوع ماده ۶۱۰ (یعنی تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت) لازم نمی باشد، بلکه صرف توافق برای ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور طبق ماده ۶۱۰ جرم و قابل مجازات است. چنین تمایزی بین جرائم علیه امنیت و سایر جرائم، باعث تصدیق این ادعا است که قانونگذار در حوزه جرائم علیه امنیت به منافع ملی و حقوق حاکمیت که همانا حفظ و صیانت هر چه بیشتر از نظم و امنیت عمومی است، اهتمام ویژه ای مبذول داشته است، با این همه اگر چه قانون گذار ایرانی با توجه به مبانی جرم انگاری این جرم، شرایط ساده تر کمتر و حداقل رفتار، یعنی صرف توافق را برای تحقق تبانی کافی می داند. اما با لحاظ این مطلب که معمولاً اثبات و احراز توافق مشکل است، سیاست قانون گذار و رویه قضایی باید به سمت و سویی پیش رود که علاوه بر توافق، یک نمود عینی و خارجی از آن را نیز لازم بداند؛ زیرا در غیر این صورت، دست مأموران پلیس در دخالت زودهنگام و دست

قضات در احراز توافق و تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت باز خواهد بود. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۲)

بہتر بود قانون گذار در ماده ۶۱۰ «قانون تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵ مثل آنچه در ماده ۱۶۹ قانون مجازات عمومی سابق پیش بینی شده بود، ہرگونہ همکاری و مساعدت تبانی کنندگان با دستگاہ های «پلیسی» و «قضاییہ» پیش از ارتکاب جرم مقصود را موجب معافیت آنها می دانست. بدیہی است ملاحظات سیاست جنایی و دشوار بودن کشف بعضی جرائم، معافیت افشاکنندہ را از مجازات توجیہ می نماید. در واقع، چنین رویکردی اثر پیشگیرانہ داشته و موجب کشف جرم، پیش از ارتکاب آن می شود.

۲-۲- خدشہ بہ لزوم انطباق مقررات کیفری با موازین شرعی

در وضع قانون می بایست موازین شرعی مورد توجہ قرار گیرد اما در برخی موارد قانونگذار از این موازین فاصلہ گرفته کہ می توان در جرائم بغی و محاربه مشاہدہ نمود لذا در ادامہ بہ بررسی این دو جرم در قانون مجازات اسلامی می پردازیم.

۲-۲-۱- تحلیل جرائم محاربه و بغی

در این بند بہ بررسی شرایط محاربه و بغی خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱-۱- تشریح شرائط محاربه

در تحقق محاربه شرایطی لازم است کہ عبارتند از:

جرم محاربه از لحاظ فقہی مختصات خاص خود را دارد. برای تحقق محاربه همان طور کہ در مادہ ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی ہم بہ پیروی از متون فقہی آمده است، وجود دو پایہ اساسی ضرورت دارد: یکی برکشیدن سلاح توسط محارب کہ ناظر بہ رکن مادّی جرم محاربه است و دیگری وجود قصد ارباب مردم کہ ناظر بہ سوءنیت خاص محارب است. با این وصف ہرگاہ رفتاری مثلاً احتکار، فاقد این دو پایہ مهم باشد، در قلمرو جرم محاربه قرار نمی گیرد. (پوربافرانی، ۱۳۹۰، ص ۷۶)

- برکشیدن سلاح توسط محارب

برای تحقق برخی از جرائم استفاده از وسیله خاص لازم است. به این جرائم، جرائم وسیله‌ای هم گفته می‌شود. جرم محاربه هم از زمره چنین جرائمی است که استفاده از وسیله خاص، یعنی؛ سلاح برای تحقق آن لازم است. مقنن در این خصوص تصریح دارد به اینکه، محارب بایستی «دست به اسلحه ببرد». همه فقها هم در اینکه برای تحقق محاربه تشهیر یا تجرید سلاح یا همان برکشیدن سلاح لازم است، اتفاق نظر دارند. به موجب تبصره ۳ ماده ۱۸۳ هم «میان سلاح سرد و سلاح گرم فرقی نیست». اسلحه جمع سلاح است؛ اما مردم به عنوان یک غلط مصطلح در محاوره‌های خود آن را برای حالت مفرد استفاده می‌کنند و گویا مقنن هم از همین غلط مصطلح متابعت کرده است. به هر حال منظور آن نیست که الزاماً محاربه وقتی محقق می‌شود که محارب دست به بیش از یک سلاح ببرد. به عبارت دیگر «اسلحه» افاده نوع می‌کند و منظور مقنن هم دست بردن به نوع سلاح است. در ذیل به سه نکته دیگر در این خصوص اشاره می‌شود. (حبیب زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۲-۴۷)

- وجود قصد ارباب مردم

سوءنیت خاص عبارت از تعلق اراده مرتکب به نتیجه مجرمانه است. در تعبیری دیگر سوءنیت خاص عبارت از قصد تحصیل نتیجه مجرمانه است. نتیجه جرم هم همان گونه که در قسمت رکن مادی گفتیم عبارت از «ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم» است. این جرم از زمره جرائمی است که هم از حیث رکن مادی مقید به حصول نتیجه مجرمانه است و هم از حیث رکن روانی. شرط تحقق آن وجود سوءنیت خاص یعنی؛ قصد تحصیل نتیجه مجرمانه است. اگر در مرتکب جرم چنین قصدی هم نباشد، مثلاً مردم به طور اتفاقی از او بترسند یا انگیزه عداوت شخصی و یا حتی قصد شوخی داشته باشد، جرم محاربه محقق نیست. شاید بر همین اساس است که در ماده ۱۸۴ ق.م.ا. هم گفته شده است: «هر فرد یا گروهی که برای (به قصد) مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه ببرند، محارب نیستند.»

انگیزه هم هیچ تأثیری در تحقق جرم محاربه ندارد. محاربین معمولاً انگیزه بردن مال دیگران را دارند و از این حیث راه را بر مردم بسته‌اند و بر روی آنها سلاح کشیده‌اند تا ضمن ترساندن آنها مالشان را بگیرند. این انگیزه مالی یا حتی انگیزه‌های دیگر مثلاً خودنمایی یا قدرت‌نمایی هیچ تأثیری در تحقق جرم محاربه ندارند. همین که برکشیدن سلاح از روی قصد باشد (سوءنیت عام) و قصد ارباب و سلب آزادی و امنیت مردم هم باشد (سوءنیت خاص) از حیث رکن روانی کافی برای تحقق جرم محاربه است. (پورباقرانی، ۱۳۹۰، ص ۷۵)

مرتکبان جرم بغی اعضای گروهی هستند که بر امام عادل و علیه حکومت اسلامی خروج می‌کنند این افراد باید دارای شرایط زیر باشند:

- مسلمان بودن

دلیلی که مسلمان بودن باغی را جزء شرایط تحقق بغی قرار داده است، آیه ۹ سوره حجرات است. در این آیه از جنگ و قتال دو طایفه مؤمن با یکدیگر سخن به میان آمده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۸۳). قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با بیان اینکه هرگاه گروهی در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند، باغی محسوب می‌شوند، میان کفر و اسلام باغی تفاوتی قائل نشده و به طور مطلق اقدام علیه حکومت اسلامی را جرم شناخته است که این امر با آموزه‌های دینی مغایر بوده و بایستی مورد تجدیدنظر قرار گیرد. به عبارت دیگر، در صورت غیرمسلمان بودن (مرتد یا کافر حربی) اعضای گروه شورش کننده علیه حکومت اسلامی بایستی با آنان طبق احکام خاص مربوط به مرتدان و کفار حربی رفتار کرد.

- گروهی بودن

بعضی از فقها «گروهی بودن» را در بغی لازم ندیده و گفته‌اند: باغی خواه یک نفر باشد مانند ابن ملجم و یا بیشتر مانند اهل جمل و اهل صفین، بغی واقع می‌شود و وقتی که امام به جنگ با باغی دعوت کند جنگ با وی واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ص ۴۰۷). اما اکثر فقها و حقوقدانان با استناد به واژه «طایفه» در آیه ۹ سوره حجرات و واژه «فئه» در بیان پیامبر اکرم در مورد باغیان شامی، گروهی بودن بغات را شرط تحقق آن دانسته‌اند. به نظر می‌رسد، با توجه به ماهیت جرم بغی (شورش مسلحانه)، اهداف مرتکبان این جرم (براندازی حکومت اسلامی) و احکام پیش‌بینی شده برای بغی (مقابله و جنگ)، نظر دوم صحیح‌تر باشد. قانونگذار نیز در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «گروهی بودن» را از شرایط تحقق بغی قرار داده و چنین مقرر کرده است «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام کنند باغی محسوب می‌شوند». بنابراین برای تحقق بغی باید خروج کنندگان بر امام عادل، به شکل گروهی باشند و برای تشخیص تعداد اعضای گروه باید به عرف مراجعه کرد. از نظر عرف هم، به کمتر از سه نفر، جمع و گروه اطلاق نمی‌شود.

- داشتن قدرت

برخی از فقها قدرتمند بودن بغات و داشتن نیرو و تجهیزات از جانب آنها را یکی از شرایط تحقق بغی دانسته و گفته‌اند: اگر خروج کنندگان فاقد قدرت و شوکت کافی باشند باغی نبوده و عمل آنها جرم دیگری خواهد بود. به عقیده علامه حلی، مخالفان باید در قدرت و شوکت به اندازه‌ای باشند که جلوگیری از آنان جز با کمک مردم و تجهیز سپاه و جنگیدن، ممکن نگردد و هرگاه تعداد مخالفان کم باشند مثلاً یکی دو نفر و یا ده نفر و از طرفی کید و فتنه آنها ضعیف و ناچیز باشد، باغی محسوب نمی‌شوند. البته، علامه این قول را به شیخ طوسی در مبسوط و ابن‌ادریس نیز تعمیم داده و گفته است دلیل آنان روش حضرت علی با ابن‌ملجم است که به ملایمت با ایشان امر کردند. اما علامه در پایان سخن خود از این قول برگشته و گفته است: بعضی از فقها این قبیل مخالفان را نیز اگر از تحت حاکمیت امام خارج شوند، جزو باغیان محسوب کرده‌اند و این قولی است قوی (علامه حلی، ۱۴۱۳، ص ۴۲-۴۷). در مقابل، اکثر فقهای امامیه این شرط را از شرایط جنگ و قتال با بغات ذکر کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ص ۲۰۵)

۲-۲-۲- تحلیل جرم افساد فی الارض

در این گفتار به بررسی جرم افساد فی الارض و عدم انطباق آن با موازین شرعی می‌پردازیم.

- تحلیل فقهی افساد فی الارض

در مورد اینکه مقصود از (فی الارض) چیست، دو احتمال وجود دارد:

نخست آنکه، محل حلول فساد و ظرف ارتکاب این گناه کره خاکی زمین است. بدین ترتیب، افساد فی الارض بر هر گناهی که در روی زمین صورت گرفته باشد، صادق خواهد بود، هر چند گناهی کوچک و در محل دوری از چشم دیگران مثلاً خانه ای بوده و اثر تخریبی آن از همان محدوده کوچک فراتر نرود. این احتمال نادرست است؛ چون بسیار روشن است که زمین محل زندگی انسان است؛ از این رو هر کار شایسته و ناشایستی از انسان سر بزند به ناچار بر روی زمین خواهد بود، به عبارت دیگر، میزان کیفر دادن کسی به خاطر ارتکاب جرمی، این نیست که آن جرم بر روی زمین از مجرم صادر شده باشد یا در ظرفی دیگری از این رو، ظرف وقوع جرم (زمین)، در استحقاق مجازات تأثیری ندارد تا به عنوان قیدی در موضوع آن به کار گرفته شود بر این اساس، آوردن قید فی الارض بی‌فایده است و می‌توان گفت آوردن چنین قیدی، مخل معنای کلام و یا دست کم نامناسب است.

دوم آنکه، قید (فی الأرض) کنایه از گستردگی عمل مرتکب و گویای برپا کردن فساد در منطقه یا ناحیه ای از زمین باشد. این احتمال با برداشت مفسران و فقها و نیز فهم عرفی از این عبارت مناسب تر است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰)

از آنجایی که در کتب فقهی شیعه، فقهای متقدم بحث مستقلی تحت عنوان افساد فی الأرض گنجانده نشده است. از این رو، تعریفی بخصوص و روشن، آن گونه که در مورد محاربه یافت می شود، به دست نمی آید و تنها به ذکر مصادیق بسنده کرده اند.

- تحلیل حقوقی افساد فی الارض

قانون گذار در سال ۱۳۹۲، با تصویب قانون مجازات اسلامی صراحتاً جرم افساد فی الارض را از محاربه تفکیک کرده و ماده ۲۸۶ و تبصره آن را به صورت مستقل به جرم افساد فی الارض تخصیص داده و مجازات اعدام را برای مرتکبان این جرم تعیین کرده است.

ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اختلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شود»

با توجه به متن ماده، مشخص می شود که دامنه این جرم بسیار گسترده است و بسیاری از مجرمان را می توان تحت شمول آن قرار داده و مفسد فی الارض محسوب کرد. به ویژه از آن رو که واژه های گسترده، شدید، عمده و وسیع، که در ماده به کار رفته تعریف دقیق و روشنی ندارند، و هر قاضی ممکن است تعریف خاص خود را از آنها داشته باشد. برای مثال، یک قاضی ممکن است سه بار تکرار ایراد جراحت به دیگران را از مصادیق ارتكاب گسترده جرم علیه تمامیت جسمانی افراد و موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور بداند، و قاضی دیگر مجروح کردن سه نفر را

حتی در یک درگیری فیزیکی واجد چنین خصیصه ای بدانند؛ ولی قاضی سوم تحقق حداقل ده مورد یا بیشتر را برای شمول عنوان افساد فی الارض لازم بدانند. در حالی که تردیدی وجود ندارد که قوانین کیفری باید روشن و بدون ابهام نوشته شوند، و این وظیفه در مواردی که با مجازات سنگینی مثل اعدام روبه رو می باشیم مضاعف می شود. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۴)

۲-۳- خدشه به اصل قانونمندی جرائم و مجازاتها(اصل ۱۷۶)

یکی از اساسی ترین اصولی که در نظام های مختلف حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته و به فلسفه وجودی وضع و تصویب قوانین جزایی، معنا می دهد اصل قانونی بودن جرائم و مجازات هاست.

امروزه در راستای چنین اصلی، صحبت از «اصل کیفی بودن جرم» می شود که یکی از مهم ترین آثار آن همانا لزوم شفافیت متون قانونی می باشد. با این وجود، در راستای سیاست جرم انگاری حداکثری، برخی از راهکار های بکار گرفته شده به منظور گسترش قلمرو دامنه جرم انگاری، به وسیله توسعه در رکن قانونی جرم محقق شده است. (مجیدی، تاج آبادی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۵-۲۹۶)

در واقع رکن قانونی، محل اجرای سیاستهای کیفری مورد نظر مقنن می باشد تا آنجا که کیفیت حضور سایر ارکان مجرمانه - مادی و روانی - نیز از نحوه ی تبیین وصف مجرمانه در رکن قانونی آشکار می گردد. بررسی متون قانونی ناظر بر اوصاف مجرمانه در بسیاری از کشورها نشان می دهد که تبیین بخش مهمی از تأمین سیاست کیفری تهاجمی بر عهده ی رکن قانونی قرار داده شده است. (مجیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۶۲)

۲-۳-۱- ابهامات تقنینی در جرائم علیه امنیت

دو مقوله محاربه و افساد فی الارض از عناوین فقهی هستند که پس از انقلاب اسلامی، به اقتضای اصل چهارم قانون اساسی وارد قوانین جزایی ایران شدند. این دو عنوان مجرمانه از عناوین بحث برانگیز و مناقشه آمیز بوده و در ارتباط با ماهیت و عناصر متشکله آنها میان فقها و حتی حقوقدانان اختلاف نظر قابل ملاحظه دیده می شود. در قوانین پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲، مقنن ایرانی غالباً مفاهیم محاربه و افساد فی الارض را با یکدیگر به کار می برد و در مواردی هم که

افساد فی الارض را جداگانه استعمال می کرد. در صدد بود تا همان حکم محارب را درباره آن جاری سازد. (میرمحمدصادقی، رحمتی، ۱۳۹۴، ص ۱۷)

بررسی عناوین محاربه و افساد فی الارض در تحولات تقنینی پس از انقلاب اسلامی نشان می دهد که عناوین مزبور، به تدریج توسعه زیادی پیدا کرده اند. محاربه و افساد فی الارض از محدود عناوینی هستند که در دهه های اخیر تا این اندازه بسط مفهومی یافته اند. محاربه که در متون فقهی و نظرات اکثر فقها، محدود به شکل خاصی از جرائم علیه امنیت بوده، در سیاست کیفری قانون گذار چنان توسعه یافته است که جرائم مختلف و متعددی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را شامل می شود. به بیان دیگر، اگرچه علی الظاهر به نظر می رسد در ابتدا فلسفه جرم انگاری محاربه و افساد فی الارض، برقراری امنیت عمومی برای مردم بوده است (با توجه به استفاده از ضابطه «دست به اسلحه بردن» در تعریف این عناوین) اما در حال حاضر، به جهت حفظ اقتدار ملی و ثبات سیاسی، این عناوین شامل جرائم علیه امنیت دولت و حقوق حاکمیت نیز می شوند. نگاهی به قوانین و مقررات موجود نشان می دهد که بخش عمده موارد استفاده قانون گذار از عناوین محاربه و افساد فی الارض، مواردی است که ضرر و زیان و صدمه ای متوجه حقوق حاکمیت می گردد. (میرمحمدصادقی، رحمتی، ۱۳۹۴، ص ۱۸)

قانون گذار ایران، در برخی از قوانین پس از انقلاب، برای اعمالی مجازات اعدام تعیین کرده است که در آنها به هیچ وجه ضابطه دست به سلاح بردن با سلاح کشیدن دیده نمی شود. ضمن اینکه مجازات اعدام پیش بینی شده در قوانین مورد اشاره جز از باب افساد فی الارض قابل توجیه نمی باشد، چون نه با هیچ یک از حدود دیگر سنخیت دارد و نه می توان آن را تعزیر (که لاجرم باید دون الحد باشد) تلقی کرد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۱)

بدین ترتیب، در حقوق کیفری ایران، در موارد متعددی قانون گذار برای صدق عنوان محاربه یا افساد فی الارض، بیش از آنکه به ضابطه است به اسلحه بردن توجه داشته باشد. به قصد مرتکب دایر بر مقابله و معارضه با نظام و یا آثار ناشی از اعمال وی در ضربه زدن به نظام توجه داشته است

و به عبارت دیگر، یکی از دو ضابطه عینی^۱ یا نوعی و ذهنی^۲ و شخصی^۳ در لطمه زدن به نظام را برای تشخیص عنوان محاربه به کار برده است^۴ (مجیدی، ۱۳۹۳، ص ۲۱) حتی برای اعمال چنین ضابطه هایی و با شمول موارد این چنینی (غیر از دست به اسلحه بردن) به عنوان محاربه، لازم است در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها قانون گذار رفتارهایی را که در حکم محاربه هستند از پیش مشخص کند. قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲ نه تنها به این

^۱ بر مبنای این ضابطه نتیجه ی عمل ارتكابی مورد مذاقه قرار می گیرد به تعبیر دیگر هرگاه رفتار بزهکار به سازمان و شیوه ی کار قوای عمومی اعم از منافع سیاسی دولت و حقوق سیاسی شهروندان آسیب و گزند ی وارد کند سیاسی است. اگر ضابطه ی فوق را در جرایم امنیتی مندرج در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی اعمال کنیم بسیاری از جرایم این بخش مانند تشکیل دسته یا جمعیت باهدف بر هم زدن امنیت کشور (ماده ی ۴۹۸) جاسوسی به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد آورد (ماده ی ۵۰۲) همکاری با دول خارجی متخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران (ماده ی ۵۰۸) و بسیاری از جرائمی که بر هم زدن نظم حاکمیت را نشانه گرفته اند، باید سیاسی تلقی و از اعداد جرایم امنیتی خارج شود (کوشکی، علیزاده سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳)

^۲ در این نظریه به داعی و قصد شخص توجه میشود، این توجه به انگیزه و قصد سبب می گردد تا کسانی که با اغراض سیاسی و بدون توجه به منافع شخصی مبادرت به ارتکاب جرم می نمایند بازشناخته شوند، ولی ایراد عمدهای که بر این دیدگاه وارد است، گسترش دایره ی شمول جرایم سیاسی که جرم مرکب و مرتبط را نیز در برمی گیرد، اما «امروزه بیشتر رفتارهای خشن خصوصاً جرایم علیه افراد بیگانه به بهانه های سیاسی از قلمرو جرم سیاسی حذف شده است (کوشکی، علیزاده سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳)

^۳ برای مثال، می توان به مواردی چون ایجاد کردن مراکز فساد و فحشا در صورتی که سببیت برای فساد عامه داشته باشد (ماده ۱۰۳ قانون تعزیرات مصوب کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲)، گران فروشی، کم فروشی یا عرضه نان نامرغوب و خودداری از عرضه کالا یا از دادن فاکتور به قصد مقابله با حکومت (مواد ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مجتکران و گران فروشان، مصوب سال ۱۳۶۷) عبور دادن افراد از مرز در صورتی که این عمل مخل امنیت عمومی باشد (ماده ۱ قانون مجازات عبور دهندگان از مرز مصوب سال ۱۳۶۷)، ارتکاب ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری با تشکیل و رهبری شبکه چند نفره (ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷)، خرید، فروش نگهداری، حمل یا قاچاق مواد مخدر در سطح گسترده و یا باعث اعتیاد افراد در بیش از یک مورد شدن (مواد ۱۸، ۹، ۱۱، قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب سال ۱۳۶۷)، جعل، توزیع یا وارد کردن اسکناس رایج داخلی به قصد مبارزه با نظام یا توسط عضوی از یک شبکه مجرمانه (ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، مصوب سال ۱۳۶۸)، اختلال در نظام تولید، توزیع، صادرات یا پولی از طریق کارهایی مثل قاچاق ارز، احتکار و گران فروشی، رشاء و ارتشا خارج کردن میراث فرهنگی از کشوره حیف ومیل کلان اموال مردم با تأسیس شرکت های مضاربه ای و مانند آن، تقلب در پیمان ارزی و غیره (مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اختلال گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب سال ۱۳۶۹) اشاره کرد. همچنین، قانونی که بیش از همه به محاربه و افساد فی الارض اشاره کرده، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۸۲ است، مطابق با این قانون، أعمالی مثل برنامه ریزی با تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران (ماده ۱۷)، اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی با استقلال کشور (ماده ۲۰)، دادن اسرار کشور به دشمن یا بیگانه (ماده ۲۴. بند ج) پناه دادن جاسوسان (تبصره ۲ ماده ۲۴)، تخلف از تکالیف نظامی (ماده ۲۹)، انعقاد قرارداد تسلیم با دشمن (ماده ۳۱)، ادامه جنگ پس از دریافت دستور توقف عملیات (ماده ۳۵)، خودداری از رفتن به مأموریت (ماده ۴۲)، ترک محل نگهداری (ماده ۴۳) وارد کردن صدمه بدنی به خود برای فرار از کار (ماده ۵۱)، غیبت با فرار (مواد ۶۱ الی ۶۵) در حکم افساد فی الارض و مجازات آنها اعدام است.

^۴ برای مثال، می توان به مواردی چون برنامه ریزی با تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی با استقلال کشور دادن اسرار کشور به دشمن یا بیگانه، پناه دادن به جاسوسان، تخلف از تکالیف نظامی و غیره در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۸۲ اشاره کرد

موارد توجه نداشته، بلکه با تفکیک عنوان افساد فی الأرض از محاربه و ارائه تعریف گسترده ای از افساد فی الأرض (در ماده ۲۸۶)^۵ به ایرادات فوق افزوده است.

چنین عنوان مجرمانه مستقلی و با چنین شرایطی برای نخستین بار در نظام کیفری ما مورد پیش بینی قرار گرفته است. با توجه به متن ماده مذکور، مشخص می شود که دامنه این جرم بسیار گسترده است و بسیاری از مجرمان را می توان تحت شمول آن قرار داده مفسد فی الارض اعلام و در نتیجه به مجازات اعدام محکوم کرد. به ویژه از آن رو که واژه های گسترده، شدید، عمده و وسیع که در ماده به کار رفته اند. تعریف دقیق و روشنی ندارند و هر قاضی ممکن است تعریف خاص خود را از آنها ارائه دهد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۳)

چنانچه برای قاضی چنین اختیار و نقشی قائل باشیم بر خلاف اصل تفکیک قوا و اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها عمل کرده ایم که ناصحیح و غیر معقولانه بودن چنین روشی واضح و مبرهن است. بدیهی است چنین شیوه قانون نویسی، دست قضات را برای اعمال سلاقی شخصی باز می گذارد و امکان نقض حقوق شهروندی و آزادی های مشروع افراد را افزایش می دهد. این در حالی است که تردیدی وجود ندارد که قوانین کیفری به دلیل حساسیت و اهمیت ویژه ای که دارند، باید روشن و بدون ابهام نوشته شوند و این وظیفه در مواردی که با مجازات سنگینی مثل اعدام مواجه می باشیم، طبعاً مضاعف می شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۳)

یکی دیگر از جرائم علیه امنیت که در قوانین جزایی پس از انقلاب ضابطه مشخصی نداشته و دچار تغییر و تحول زیادی شده، جرم بغی است، توضیح آنکه قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰. دو عنوان محاربه و بغی را به نوعی با یکدیگر خلط کرده بود و برای مرتکبان جرائم مذکور در مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ که به ترتیب به قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی، ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی و تهیه اسلحه و مواد منفجره برای این منظور یا ارائه امکانات مالی موثر به طراحان و نیز نامزد شدن برای یکی از پست های حساس حکومت کودتا مربوط بود، مجازات محاربه را پیش بینی کرده بود؛ اما قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲، با حذف این مواد بغی را به عنوان یکی از مصادیق جرائم مستوجب حد، در ماده ۲۸۷ مورد حکم قرار داده است، به نظر می

^۵ ماده مذکور اشعار می دارد: «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا با معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی با ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الأرض محسوب و به اعدام محکوم می گردد»

رسد موضع قانون‌گذار در قانون اخیرالذکر مقرون به صواب باشد، زیرا این اعمال، به دلیل اینکه علیه حکومت انجام می‌شوند، با عنوان مجرمانه بغی سازگارتر هستند. در واقع، محاربه یک جرم علیه امنیت و بغی یک جرم علیه حکومت است، البته ذکر این نکته هم ضروری است که حتی در اصل جرم انگاری بغی هم میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. (میرمحمدصادقی، رحمتی، ۱۳۹۴، ص ۳۰)

مطالعه سیاست کیفری ایران در قبال جرم جاسوسی نشان می‌دهد که قانونگذار در زمینه مهمترین مسائل مربوط به این جرم غیرشفاف و مبهم عمل می‌نماید. سیاستی که منجر به بروز اختلاف در حیطة و شمول این جرم در میان جامعه حقوقی کشور می‌شود. اختلافهای نظری که به علت این ابهامات در میان حقوقدانان و رویه قضایی وجود دارد، تنها محدود به یک دسته از موضوعات جزئی نمی‌باشد، بلکه پیرامون مصادیق جاسوسی و یا ارکان مادی و معنوی آن هم اختلافات نظرهای متعددی وجود دارد. (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵)

در حقوق کیفری ایران در رابطه با شمول موضوعات جاسوسی هم وحدت نظری وجود ندارد. عده ای از حقوقدانان مقصود از «اسرار مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور» (مذکور در ماده ۵۰۱ ق.ا.م.ا.) را در برگیرنده کلیه ی اسرار محرمانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌دانند و عده ای دیگر آن را محدود به اسرار سیاسی و نظامی تفسیر نموده اند افزون بر این، به علت ابهامات موجود، عده ای از نویسندگان پاره ای از جرائم مرتبط با جاسوسی مانند اخفا یا سبب اخفا شدن جاسوسی را هم به عنوان مصادیقی از جاسوسی در حقوق کیفری ایران مطرح نموده اند (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵)

سیاست کیفری ایران در رابطه با نحوه تفکیک جرم جاسوسی از خیانت به کشور هم با عدم شفافیت مواجه است. در صورتی که عده ای از نویسندگان حقوقی به علت عدم اشاره قانونگذار به عنوان مجرمانه خیانت به کشور، وجود چنین عنوان مجرمانه ای را در قلمرو جرائم علیه امنیت ممکن نمی‌دانند. عده ای دیگر از حقوقدانان مصادیق گوناگونی از جرائم علیه امنیت همانند طرح براندازی، همکاری با دشمن متخاصم و نیز تسلیم اسرار به نیروهای خارجی را از مصادیق قانونی خیانت به کشور تشخیص داده اند با توجه به ابهامات فوق به نظر ضروری می‌رسد قانونگذار در راستای اعمال سیاست کیفری شفاف و صریح و نیز جهت رعایت اصل قانونمندی جرائم و مجازاتها، برخی اقدامات تقنینی را انجام بدهد. (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵)

رویکردی که قانونگذار می تواند از این طریق هم سیاستهای کیفی خود را در قالب مواد قانونی ارائه نماید. رویکردی که مورد توجه قانونگذار جزایی فرانسه واقع شده است. ماده (۱-۴۱۱) قانون مجازات عمومی فرانسه مقرر می نماید: «اعمال ارتكابی تبیین شده در مواد (۲-۴۱۱ تا ۱۱-۴۱۱) خیانت به کشور می باشد زمانی که یک فرانسوی و یا یک نظامی در خدمت نیروهای مسلح آن را مرتکب شود و در صورت انجام آن توسط سایر افراد عنوان جاسوسی تحقق می یابد.

قانونگذار فرانسه با بیان فوق دو کار عمده را در این زمینه انجام می دهد:

اول آنکه با کنار نهادن معیارهای ذهنی و عینی تمایل به دیدگاهی شده که مدتها مورد انتقاد شدید نویسندگان این کشور بود. دیدگاهی که با معیار قرار دادن ملیت مرتکب، جرائم جاسوسی و خیانت به کشور را به راحتی از یکدیگر تفکیک می کند و به دلیل سادگی ضابطه انتخابی و نیز آسان بودن اجرای آن اخیراً خود جذب نموده است.

دوم آنکه با احصای مصادیق جاسوسی و خیانت به کشور در مواد (۲-۴۱۱ تا ۱۱-۴۱۱) محدوده این جرائم را به روشنی تعیین نموده است.

مصادیق مزبور شامل موارد ذیل می باشد:

الف- تسلیم همه یا قسمتی از سرزمین ملی، نیروهای مسلح و وسایل دفاعی کشور به قدرتهای خارجی (موضوع مواد ۲-۴۱۱ و ۳-۴۱۱)

ب- همدستی با یک قدرت خارجی و یا عوامل آنها (موضوع مواد ۴-۴۱۱ و ۵-۴۱۱)

ج- جمع آوری و تسلیم اطلاعات به قدرت خارجی (موضوع مواد ۶-۴۱۱، ۷-۴۱۱ و ۸-۴۱۱)

د- خرابکاری (موضوع ماده ۹-۴۱۱)

ه- ارائه اطلاعات نادرست به مقامات مسئول (موضوع ماده ۱۰-۴۱۱)

در حقوق ایران در ماده ۲۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح از این روش ها استفاده شده است به علت سهولت انتقال مقاصد قانونگذار به مخاطبان مورد استقبال قوانین کیفری کشورهای دیگری همانند سوئیس هم قرار گرفته است. استفاده از این روش در قانون مجازات اسلامی هم می تواند ابهامات موجود را برطرف نماید. این ابهامات زمانی افزایش پیدا می کند که قانونگذار ایران در سیاست کیفری خود تحقق برخی از جرائم مرتبط با جاسوسی مثل موضوع مواد ۵۰۲ و

۵۱۰ ق.م.ا. را هم موکول به تحقق جاسوسی نموده است. توضیح آنکه وقتی بزه جاسوسی از نظر مصادیق و شمول جرم انگاری آن مورد ابهام قرار بگیرد، چگونه باید به تشخیص صحیح جرائم مرتبط با جاسوسی خوش بین بود. (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۸)

نتیجه گیری

در زمینه وجود تحولات تقنینی در ارتباط با شرایط و ارکان جرم تبانی، حقوق کیفری ایران و فرانسه وجه تشابه زیادی دارند. دست یافتن به این وجوه تشابه، تنها پس از بررسی تحولات گوناگون حاکم بر این جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه امکان پذیر می باشد. در ارتباط با حقوق کیفری ایران باید در ابتدا به ماده ۷۴ ق.م.ع. مصوب ۱۳۰۴ اشاره نمود که تمامی مختصات و ویژگی های آن، در دوره های بعدی قانونگذاری از بین رفت. در وضع قانون می بایست موازین شرعی مورد توجه قرار گیرد اما در برخی موارد قانونگذار از این موازین فاصله گرفته که می توان در جرائم بغی و محاربه مشاهده نمود. امروزه در راستای چنین اصلی، صحبت از «اصل کیفی بودن جرم» می شود که یکی از مهم ترین آثار آن همانا لزوم شفافیت متون قانونی می باشد. با این وجود، در راستای سیاست جرم انگاری حداکثری، برخی از راهکار های بکار گرفته شده به منظور گسترش قلمرو دامنه جرم انگاری، به وسیله توسعه در رکن قانونی جرم محقق شده است. یکی از جرائم علیه امنیت که در قوانین جزایی پس از انقلاب ضابطه مشخصی نداشته و دچار تغییر و تحول زیادی شده، جرم بغی است، توضیح آنکه قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰. دو عنوان محاربه و بغی را به نوعی با یکدیگر خلط کرده بود و برای مرتکبان جرائم مذکور در مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ که به ترتیب به قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی، ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی و تهیه اسلحه و مواد منفجره برای این منظور یا ارائه امکانات مالی موثر به طراحان و نیز نامزد شدن برای یکی از پست های حساس حکومت کودتا مربوط بود، مجازات محاربه را پیش بینی کرده بود؛ اما قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲، با حذف این مواد بغی را به عنوان یکی از مصادیق جرائم مستوجب حد، در ماده ۲۸۷ مورد حکم قرار داده است، به نظر می رسد موضع قانون گذار در قانون اخیرالذکر مقرون به صواب باشد

منابع

کتابها

۱. حبیب زاده، محمدجعفر، ۱۳۷۹، محاربه در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۲. فیض، علیرضا، (۱۳۸۵)، حقوق جزا اسلامی، تهران، دانشکده افسری، جلد ۱

۳. مجیدی، سید محمود، ۱۳۹۳، حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی (جرایم علیه امنیت)، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۴. مجیدی، سید محمود، ۱۳۹۹، جرایم علیه مصالح عمومی کشور- جزای اختصاصی ۲- چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۵. میر محمد صادقی، حسین؛ ۱۳۹۰، تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران، نشر جنگل.
۶. میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۴، حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ ۲۹، تهران، میزان.
۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۷۸، بایسته های فقه جزا، چاپ اول تهران، نشر میزان.

۲. مقالات

۸. پوربافرانی، حسن، ۱۳۹۰، تحلیل جرم محاربه، مطالعات حقوقی معاصر، شماره ۴.
۹. شاملو، باقر، محتشمی، ندا، ۱۳۹۱، مطالعه تطبیقی دو نظریه تعامل گرایی و پنجره های شکسته و آثار آنها بر سیاست جنایی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲.
۱۰. مجیدی، سید محمود، تاج آبادی، فاطمه، ۱۳۹۸، تکنیکهای جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۱.
۱۱. میر محمد صادقی، حسین، رحمتی، علی، ۱۳۹۴، مصادیق عدول از اصول کلی حقوقی کیفری در جرائم علیه امنیت، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۶.
۱۲. میلانی، علیرضا، اردکانی ارجمند، غلامرضا، ۱۳۹۴، دامنه نفوذ تفکرات امنیت مدار در قلمرو حقوق کیفری ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، شماره ۱.

پایان نامه

۱۳. عراقی نژاد، طیبه فعال، (۱۳۹۱)، ماهیت جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق و جزا و جرم شناسی

منابع عربی

۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن؛ ۱۴۰۹، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه؛ چاپ اول. گروه پژوهش مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام
۱۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، ۱۴۱۳، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه؛ چاپ دوم، گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، ۱۴۱۳، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه؛ چاپ دوم، گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، کتاب العین، قم، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، جلد ۶
۱۸. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، (۱۳۸۷)، فتح العزیز، شرح الوجیز، بیروت، دارالفکر، جلد ۶
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (شیخ طوسی)، ۱۴۰۷. الخلاف، چاپ اول، مصحح علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، مهدی طه نجف، مجتبی عراقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، (شیخ طوسی)، ۱۴۰۷. الخلاف، چاپ اول، مصحح علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، مهدی طه نجف، مجتبی عراقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چاپ اول المحشی کلانتر علی شیروانی؛ قم: کتابفروشی داوری.
۲۲. عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۳۵۳)، الفرویق اللغویة، قاهره، چاپ افست، قم
۲۳. فتح الله، احمد، (۱۴۱۵)، معجم الفاظ الفقه الجعفری، المكتبة الشیعه